

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ مارچ ۲۰۱۹

ورود زنان "غنی احمدزی" و "زلمی خلیلزاد" در جنگ قدرت!

۲

یکشنبه-۱۲ حوت ۱۳۹۷- کابل: در بخش اول این نگاشته مختصراً به نقش زنان طبقات حاکم در قدرت و فعالیت‌های اجتماعی اشاراتی صورت گرفت، در این قسمت بحث ما را از آغاز حکومت خیانت ملی آغاز می‌نمائیم:

۵- با روی کار آمدن حکومت خیانت ملی، یعنی عقد رسمی "فئودالیسم محتضر با کمپرادوریزم"، خلاف سایر موارد که "عبدالله عبدالمود" خواستار مشارکت ۵۰ در صدی با "غنی احمدزی" بود، به ارتباط نقش زنان در اداره امور به خصوص زنان مقامات اول کشور و همسوئی، همکاری و حتا برداشتن بخشی از بار حاکمیت را بر شانه هایشان، "عبدالمود" خود را کنار کشیده با فرستادن همسر و فرزندان به هندوستان و زمینه های فساد را برای خود آماده ساختن، تمام میدان را به رقیبش "غنی احمدزی" و اصطلاح برخاسته از یک تقلید میمون وار "بانوی اول" رها نموده، این آرمان را به دل مردم گذاشت تا در کنار "بانوی اول"، "بانوی اجرائی" را نیز به کار برده، بر غنای زبان دری که از سالها بدین سو مظلوم قرار گرفته است، بیفزایند..

در هر صورت وقتی "غنی احمدزی" در رأس قدرت قرار داده شد از آنجائی که از یک جانب خود نماینده مستقیم کمپرادوریزم و قشر دلال وابسته به غرب که با هزاران رشته به امپریالیسم و نهاد های امنیتی -استخباراتی آن پیوند خورده است، به این کار گماشته شده بود و از جانب دیگر همسرش از لحاظ ارتباطات امنیتی - استخباراتی بیشتر از خودش مورد اعتماد مقامات امریکا و اسرائیل بود و از همه مهمتر می دانست که جهت پاکسازی کثافت‌های "غنی احمدزی" به فردی از خودشان نیاز دارند تا در تمام ۲۴ ساعت مراقب گنده بازی هایش باشد، لذا با بر سر زبان انداختن اصطلاح "بانوی اول" خلاف قانون اساسی دست ساخت استعمار و ارتجاع که هیچ جایگاه رسمی برای همسران رؤسای جمهور پیشینی ننموده و قانوناً نه حق دارند دفتری داشته باشند و نه هم دیوان و درباری، برایش بودجه هنگفتی اختصاص داده، کوشش نمودند تا وی را در اداره امور و پیشبرد برخی از مسایل سهیم و فعال نشان بدهند.

۶- برسر زبان افتادن نام خانم "رولا غنی" - "روغنی خودما" و تذکار از فعالیت های اجتماعی-سیاسی وی، علی رغم این که ما از "غنی احمدزی" راضی باشیم و یا نه، می توانست به مثابه نخستین گامی از جانب مقام اول کشور در جهت شکستادن سنت دیرپای و ارتجاعی مردسالار حاکم بر ارگ، برایش امتیازی به شمار آمده ثبت تاریخ بگردد،

مگر با تأسف انهماک شخص "غنی احمدزی" به فاشیسم و علایق مفرد "روغنی" به جمع کردن پول در بطن یک نظام اداری فاسد، به جای آن که، مردم را نسبت ورود همسر رئیس جمهور دولت نشانده خوشبین بسازد، متنفر ساخته تقریباً تا جایی که من با مردم در تماس هستم، کمتر کسی را یافته ام که نگفته باشد: "خانه پدر گذشتگان آباد که تنها خودشان دزدی می نمودند، این انسان پست زنش را نیز به جان مردم انداخته شریک دزدی هایش گردانیده است".

این قضاوت به خصوص بعد از آن که افشاء شد که "روغنی" در یک قلم دزدی چیزی در حدود ۲۸۰ میلیون دالر کمک را اختلاس نموده و به تعقیب آن باز افشاء شد که از آن مقدار ۱۵۰ میلیون دالر را برای پسرش به امریکا فرستاده تا "قندولک" رئیس جمهور با خرید ۴۰ عراده موتر نایاب، کلکسیون موترهایش را ترتیب دهد، شدت بیشتر یافته، درجه انزجار مردم از "غنی احمدزی" و "روغنی" در چنان حدی رسید که دولت دست نشانده و سفارت امریکا ناگزیر به دخالت گردیده از طریق رسانه های وابسته امکان دفاع برای وی را ضمن مصاحبه های "سرکاری" و از قبل سازماندهی شده فراهم نمودند. امری که نتیجه مثبتی به دنبال نداشت. تا این که:

ادامه دارد